

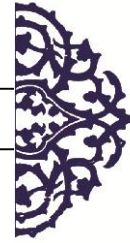
## عوامل اعتقادی مؤثر در تقویت معنای زندگی با تأکید بر آموزه‌های صحیفه سجّادیه



قربانعلی صمدی<sup>۱\*</sup>، احمد عابدی آرنانی<sup>۲</sup>، دکتر علی اله بداشتی<sup>۳</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2024.29421.1084

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰



### چکیده

از دیرباز بشر در زندگی آگاهانه خود به دنبال یافتن معنای حقیقی زندگی خود بوده است. درک معنای زندگی وابسته به این حقیقت است که آفریننده‌ی عالم و قادر برای انسان هدفی ارزشمند ترسیم کرده است. در عصر کنونی فهم معنای زندگی آن هم بر محوریت صحیفه سجّادیه که ملقب به زبور آل محمد است، اهمیت و ارزش زیادی دارد. برخی به خاطر نفهمیدن یا نرسیدن به معنای درست زندگی به پوچ‌گرایی یا سرگردان شدن مبتلا شده‌اند. معناداری زندگی دو مولفه‌ی «هدفمندی» و «ارزشمندی» را در پی دارد. این نوشتار با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و پردازش آن‌ها به روش تحلیلی و توصیفی به بیان عوامل اعتقادی تقویت معنای زندگی مانند: نقش خداباوری، شناخت حقیقت معاد و ثواب و عقاب در معنابخشی زندگی بر اساس آموزه‌های صحیفه سجّادیه که یکی از بهترین منابع دینی در هدایت انسان است به این نتیجه رسیده که انسان برای رسیدن به هدفی والا خلق شده و زندگی او پدیده‌ای پوچ و بی‌معنا نیست، بلکه پدیده‌ای کاملاً باارزش و هدفمند است.

**واژه‌های کلیدی:** معنای زندگی، عوامل اعتقادی، خداباوری، معادباوری، هدفمندی، ارزشمندی، صحیفه سجّادیه.

۱- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی؛ دانشکده الهیات و معارف اسلامی؛ دانشگاه قم (نویسنده مسئول) \* M.sahifeh@gmail.com

M.sahifeh@

۲- دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی؛ دانشکده الهیات و معارف اسلامی؛ دانشگاه قم. ahmadabedi@yahoo.com

۳- استادگروه فلسفه و کلام اسلامی؛ دانشکده الهیات و معارف اسلامی؛ دانشگاه قم. alibedashiti@gmail.com

## ۱. مقدمه

زندگی بشر در این دنیای مادی، فرآیندی آگاهانه است که با تولد او شروع می شود و با مرگ او پایان می یابد. معنای زندگی همان حقیقت ارتباط ما و جهانی که در آن زندگی می کنیم، با آفریننده ما و جهان است. کشف این حقیقت می تواند واقعیت حیات انسان را در این فرآیند نشان دهد. از این جهت، انسان به دلیل داشتن قدرت اندیشه و مواجه شدن با چرایی وجود خودش و اطرافش در صدد فهم معنای زندگی بر می آید. درک معنای زندگی وابسته به درک این حقیقت است که انسان موجودی است که آفریننده ای او را در این جهان با آگاهی، اختیار و هدفی ارزشمند آفریده است و به او اندیشه، قدرت و اختیار داده تا به هدفی ارزشمند برسد. پس معنای زندگی، یعنی هدف ارزشمند انسان در این جهان که آفریننده ای برای او ترسیم کرده است.

معناداری دو مؤلفه اساسی دارد: یکی «هدفمندی» و دیگری «ارزشمندی». از این رو، هرگاه از چیستی معنای زندگی پرسش شود، در حقیقت به این دو پرسش بر می گردد که هدف از زندگی چیست؟ و ارزش زندگی چیست؟ و با پاسخ به این دو پرسش می توان به پاسخ از معنای زندگی رسید (اله بداشتی، ۱۳۹۱: ۹۱-۱۰۸. عسکری سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۰۴. بیات، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۳. صادقی، ۱۳۸۲: ۶۸). پس در حقیقت، ما به دنبال کشف این حقیقت هستیم که زندگی انسان چه هدف و ارزشی دارد؟ چه عواملی باعث تقویت معنای زندگی انسان خواهد شد؟ با رسیدن به پاسخ این پرسش ها به پرسش از معنای زندگی نیز پاسخ داده ایم.

نکته مهمی که باید در نظر گرفت، این است که معنای زندگی در تقابل مستقیم با پدیده ای به نام پوچ گرایی قرار گرفته است. پوچ گرایی به معنای انکار معنی و ارزش برای زندگی انسان در جهان است که برای معرفی آن از واژگانی چون هیچ انگاری، نیست انگاری استفاده می شود (رضازاده و رحمانی اصل، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۳۴). این اندیشه ارتباط نزدیکی با بدبینی عمیق و شک گرایی دارد. پوچ انگار ادعا می کند که زندگی انسان از ریشه بی معنی و غیرمنطقی است و رنج انسان ها، نتیجه تلاش های بیهوده افرادی است که قصد دارند دلیل یا معنی ای برای زندگی انسان پیدا یا جعل کنند. (علی زمانی و دریانی اصل، ۱۳۸۹: ۹۷-۱۰۸) از پیشگامان این تفکر گرگیاس (۴۸۷ پیش از میلاد)، حکیم یونانی (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۱۱۲/۱) و آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸م) است (علی زمانی و دریانی اصل، ۱۳۸۹: ۹۷-۱۰۸).

گرچه پوچ‌گرایی سابقه بسیار دیرینه‌ای دارد، اما با ورود مکاتب نیهلیسیم در عصر مدرن، می‌توان گفت یکی از خصوصیات زندگی مدرن حرکت به سوی پوچ‌گرایی است. نیست‌انگاران ادعا می‌کنند که وجود انسان هیچ هدف، ارزش یا توجیهی ندارد. دلیلی برای زیستن وجود ندارد (لطفی، ۱۳۸۳: ۱۰۶ - ۱۱۱). پوچ‌گرایان زندگی را با نفی خدا تلقی می‌کنند، بیشتر آنان معنای زندگی را در درون انسان دنبال می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۹۷). بدین جهت مردم جهان معاصر، تحت تأثیر فرهنگ غرب از بی‌معنایی زندگی رنج می‌برند و دنبال راهکاری‌اند تا خود را از بیهودگی در زندگی برهانند.

امروزه متفکران غربی مانند: کرکگور (۱۸۱۳م)، داستایوفسکی (۱۸۲۱م) و جان کاتینگهام (۱۹۴۳م) (همان: ۹۷-۱۰۸) و متفکران اسلامی (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۵-۷. آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۴. ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰: ۱/۳۷) در حوزه‌های مختلف به معنای زندگی پرداخته‌اند؛ اما بدون تردید، به دلیل این‌که دین از سرچشمه وجود و آفریننده انسان و حیات او سرچشمه می‌گیرد، در این‌گونه دغدغه‌ها و نگرانی‌ها، دین یگانه پناهگاه اصلی بشر بوده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۹۷). از این‌رو، دین تنها مرجع پاسخ‌گو به این پرسش‌هاست و تنها دین است که می‌تواند زندگی انسان را از پوچ‌گرایی نجات دهد. اگر انسان به دین و آموزه‌های اصلی آن همچون خدا، مرگ و آخرت باور واقعی داشته باشد، بسیاری از مشکلات حاکم بر جوامع امروزی مرتفع خواهد شد. بدین جهت دین نقش اساسی در معنا بخشی زندگی دارد.

یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین متون و منابع دینی که می‌توان از آموزه‌های آن برای معنای زندگی بهره برد، صحیفه سجّادیه است. این کتاب با ارزش بسیار بالا در نزد عالمان دینی ما جایگاه و منزلت ویژه‌ای دارد. آن‌ها از صحیفه سجّادیه با توصیفات چو «نور مشکات رسالت»، «شمیم بوستان امامت»، «زبور آل محمد» و «اقیانوس معارف حقه الهی» یاد کرده‌اند (مدنی کبیر، ۱۴۴۳: ۵۱/۱ و ۵۸. میرداماد، ۱۴۲۲: ۶. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۳/۱۰۷ و ۶۶. خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۲۰۹). صحیفه سجّادیه کتابی است که امام سجّاد علیه‌السلام آن را املا کرده و امام باقر علیه‌السلام و زید بن علی سلام الله علیه نوشته و امام صادق علیه‌السلام در این جمع حضور داشته‌اند (سند صحیفه سجّادیه). در این کتاب، والاترین معارف الهی و دینی از جمله معارف مربوط به سه ضلع جهان‌بینی: خداوند، انسان و جهان بیان شده که فهم حقیقی و درست چنین معارفی در سه حوزه عقلانی، تربیتی و اخلاقی که بسیار گسترده است، می‌تواند به معنای زندگی بشر کمک شایانی کند و او را از بی‌معنایی و پوچی‌گرایی‌های رهایی بخشد. چنان‌که اگر انسان سبک زندگی خود را بر اساس آموزه‌های این معارف تنظیم کند، دچار بی‌معنایی، پوچی و بیهودگی

نخواهد شد و جهان و زندگی خود و پیرامون خود را معنادار خواهد یافت. از این جهت، ما در این مقاله، بر آنیم تا با توجه به آموزه‌های صحیفه سجادیه که یکی از منابع باارزش دین اسلام است، عوامل اعتقادی را که مؤثر در تقویت معنای زندگی است، تبیین کنیم و مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

در باره معنای زندگی و اعتقادات، مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله «بررسی دیدگاه تدئوس متر در باب خدا و معنای زندگی و نقد آن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)» از زینب کریمی قدوسی و امیرعباس علی‌زمانی، «معادباوری و تاثیرات آن در زندگی، از دیدگاه نهج البلاغه» از سیده پرگل شمسی و دیگران و هم‌چنین، مقاله «نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان» از دکتر علی اله بداشتی و مقالات دیگری که در باب معنای زندگی نوشته شده است. اما با جستجویی که انجام گرفت، روشن شد که در هیچ یک از آثار و پژوهش‌های علمی منتشر شده مرتبط با صحیفه سجادیه به بررسی مستقل و کامل این مسئله پرداخته‌اند. (ر.ک: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. <https://ensani.ir>)

ضرورت و اهمیت این پژوهش، با در نظر گرفتن این نکته‌ها روشن می‌شود: ۱. مسئله عوامل تقویت معنای زندگی با توجه به اهمیت اصل مسئله معنای زندگی در عصر کنونی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ۲. پاسخ‌گویی به این مسئله در جامعه کنونی از منظر دین اهمیت ویژه‌ای دارد. ۳. نبود پژوهش‌های مستقل و کامل در این زمینه با محوریت صحیفه سجادیه، ضرورت این پژوهش را مشخص می‌سازد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. مفهوم زندگی

زندگی یعنی زیستن در مقابل مردن به معنای زنده بودن است، و با کلماتی چون حیات، بقاء، عیش و معاش، هم‌معنی است (عمید، ۱۳۸۸: ۷۴۱. معین، ۱۳۸۶: ۷۹۲). زیستن هر کس، برای او قابل فهم است و او همان‌گونه که می‌زیید، می‌فهمد که چگونه می‌زیید. مثل خوردن که می‌داند می‌خورد و وقتی می‌خندد، می‌فهمد چه کاری انجام می‌دهد. یا وقتی به کسی محبت می‌ورزد، می‌داند که چه کار می‌کند. پس، زندگی ملازم با فهم و دانسته‌ها است. شاید بتوان گفت که زندگی، همان وجود لحظه به لحظه‌ی هر شخص از سیر زیستن خود است. همان واقعیت خارجی که انسان لحظه به لحظه دارد، در آن واقعیت سیر می‌کند؛ یعنی زیستن. پس فرآیند وجودی یک موجود در این جهان از تولید سلولش تا مرگ آن را زندگی می‌گویند.

## ۲-۲. مفهوم اعتقاد و باور

اعتقاد و باور به معنای، تصدیق سخن، قبول داشتن، برگزیدن با مترادفاتی چون ایقان، ایمان و قبول، به کار می‌رود (عمید، ۱۳۸۸: ۲۸۰؛ معین، ۱۳۸۶: ۲۳۹). در یک تعریف ساده، باورها یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲). باورها بسیار تأثیرگذارند، تأثیرگذاری آن‌ها به نحوی است که بینش، نگرش، نوع نگاه و حتی زاویه دید ما را به جهان هستی ترسیم می‌کنند. حال اگر مجموعه عوامل تشکیل دهنده یک باور از منابع سالم و درست برخاسته باشد، نوع نگاه ما به عالم نیز متفاوت خواهد بود. به این جهت، باید به دنبال تقویت باورها بود، به ویژه باوری که در حدّ یقین باشد (دعای ۲۰: بند ۱) و انسان را به تسلیم وا دارد. (دعای ۴۲: بند ۴).

## ۲-۳. مفهوم معنای زندگی

معنای زندگی، یعنی یک زندگی هدفمند و ارزشمند، با کارکرد و هدفی جاویدان، همراه با سعادت در دنیا و آخرت که این معنا بر اساس اندیشه توحیدی و با استفاده از آموزه‌های دین به دست می‌آید. همه این‌ها هم از شناخت خداوند و بندگی او حاصل می‌شود. یعنی انسان محور زندگیش اطاعت از قوانینی باشد که خداوند تحت عنوان دین ترسیم کرده است. چنان‌که از آموزه‌های صحیفه سجادیه استفاده می‌شود، به همان اندازه که زندگی انسان خدامحور باشد، معنادار خواهد بود و در مقابل آن، هرچه از محوریت خداوند در زندگی کاسته شود، به همان اندازه، یک زندگی همچون حیوانات خواهد داشت (دعای ۱: بند ۹). بدین جهت لازم است که از آموزه‌های صحیفه سجادیه استفاده کنیم و به عواملی بپردازیم که باعث تقویت معنای زندگی می‌شوند.

## ۳. عوامل اعتقادی تقویت معنای زندگی

عقیده، بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. اگر باورهای انسان در زندگی، به ویژه در خانواده صحیح و مطابق با خواسته‌های خالق هستی باشد، زندگی او هم در مسیر صحیح و کارآمدی قرار خواهد گرفت و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به بی‌راهه می‌برد و آن را ناکارآمد می‌سازد. از این‌روست که اسلام بیش از هر چیز به اصلاح شناخت و بینش‌های انسان اهمیت می‌دهد و برترین افراد را از نظر ایمان کسانی می‌داند که از نظر شناخت بر دیگران برتری دارند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۰: ۲۱/۱). در صحیفه سجادیه آمده: «اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْبِي، وَ صَحِّحْ بِمَا

عَنْدَكَ يَقِينِي» (دعای ۲۰: بند ۲). انسان هرچه که نسبت به نیتش شناخت بهتری داشته باشد و بداند که خواسته اصلی خداوند چیست، به طور حتم، باور او نسبت به خداوند برتری خواهد یافت. چون نیت‌های راستین است که باورهای درست را رقم می‌زنند.

باورهای بنیادینی که اساس شخصیت انسان سالم و زندگی هدفمند، باارزش و سعادت‌مند را پی‌ریزی می‌کنند، باور به مبدأ و معاد است که محور همه معرفت‌ها است. باور به هدفمندی جهان آفرینش، باور به جهان آخرت، باور به نقش انسان در تعیین سرنوشت. همه این‌ها حقیقت معنای زندگی انسان است.

### ۳-۱. نقش خدا باوری یا ایمان به خدا در معنا بخشی زندگی

واژه خدا، نام پروردگار آفریننده جهان هستی است. در آموزه های دین اسلام معادل این واژه، واژه الله است که دارای اوصافی همچون یگانگی، دانایی، قدرت و... است (دعای ۴۷: بند ۴ و ۵). انسان جدای از خداوند در بن بست بی‌معنایی و پوچ‌انگاری گرفتار خواهد افتاد. انسانی که زندگی خود را منحصر به حیات مادی این دنیوی و لذت بردن هر چه بیشتر از لذات مادی دانست، در نهایت، هیچ توجیهی برای تحمل رنج‌ها و مصیبت‌ها نخواهد داشت؛ اگر هم داشته باشد، تصور مرگ و نقطه پایان لذت‌هایش، زندگی را در کام وی تلخ خواهد کرد. انسان دین‌دار رنج‌ها و ناکامی‌ها هر اندازه هم که زیاد باشند، باز او را به پوچی نمی‌کشانند، چرا که آن‌ها را زاییده طبیعت کور نمی‌داند، بلکه همه این ناملازمات ظاهری از سوی خدای حکیم مطلق برای وی مقرر می‌شود (دعای ۱۵: بند ۱ و ۲). و از سوی دیگر، او می‌داند که هدف خداوند از آفرینش او رسیدن به مقام قرب و محبت الهی است (دعای ۱: بند ۴). از این رو، در این دنیا هر آنچه که در مسیر رسیدن او به این هدف باشد، نه تنها زشت نیست، بلکه بسیار زیبا و نکوست و با جان و دل می‌پذیرد و به آن عمل می‌کند (دعای ۲۱: بند ۱۱). بدین جهت، انسان به گونه‌ای زندگی خواهد کرد که گویا خدا را می‌بیند و بر این باور خواهد بود که خدا در همه حال شاهد و ناظر اوست (دعای ۴۷: بند ۲) و هیچ چیز بر او پوشیده نیست (دعای ۳۲: بند ۱۱).

بنابراین، انسان مؤمن هیچ‌گاه در زندگی، احساس پوچی و بی‌معنایی نمی‌کند؛ زیرا لحظه به لحظه زندگی وی هدفمند است. در نتیجه، آکنده از رضایت و آرامش خواهد بود (دعای ۱۱: بند ۱) و (دعای ۳۱: بند ۱۷). ولی اگر انسان تکیه‌گاه مذهبی و الهی خود را از دست بدهد، به هیچ روی، نمی‌تواند هدف درستی برای زندگی بیابد؛ مگر این که خود را فریب دهد و هدفی برای زندگی خود بترشد. چنین انسانی خود را در جهان، موجودی زیادی می‌پندارد که هیچ‌گونه دلیلی نه برای بودن خود سراغ دارد و نه برای

زیستن خویش؛ اگر هم زندگی کند، زندگی او یک زندگی بی‌معنا و تهی از ارزش است. انسانی که برای زیستن خود هیچ انگیزه و دلیل منطقی ندارد، بودن یا نبودن، زیستن یا مردن برای او یکسان است و در واقع، زیستن او بستگی به خواسته‌ها و تمایل‌های او دارد.

پس آنچه به زندگی مفهوم و معنا می‌بخشد، داشتن هدف و آرمان است و پرسش از فلسفه زندگی و این‌که آیا زندگی ارزش زیستن دارد یا نه. تنها در نظام اعتقادی که خدا مقصد آن است، به پاسخ می‌رسد. اگر انسان خدا را کنار بگذارد، سر از بن‌بست‌هایی در خواهد آورد که زندگی را بر وی تلخ خواهد کرد و زندگیش را به بیهودگی و تباهی می‌کشاند. چون هر هدفی غیر از خدا رهاوردی جز خواری و پستی برای زندگی انسان در دنیا نخواهد داشت (دعای ۲۰: بند ۱۲).

حقیقت این است که خدا ناباوران یا منکرین وجود خداوند، از واقعیت عالم هستی دور می‌افتند و در غفلت به سر می‌برند و اگر چشم عقل و جان خود را به‌درستی بازکنند، راهی جز خداپرستی و خداباوری بر نمی‌گزینند. چون وجود پروردگار را با شهودهای باطنی و فطری و خرد خود خواهند پذیرفت. وقتی با فطرت و خرد، خداباوری حقیقی و ایمان به خداوند متعال حاصل شود، انسان به جهل و نیاز خود و بی‌نیازی مطلق خداوند متعال آگاه می‌شود (فاطر / ۱۵) (دعای ۱۳: بند ۱۱). پیوند این دو اصل غنای ذاتی مطلق خدا و اصل فقر ذاتی مطلق انسان، او را به سوی ایمان به خدا می‌کشاند و در مقابل فرمان و خواست پروردگار جهان تسلیم خواهد کرد (نسا/ ۶۵)، (دعای ۱۰: بند ۳). بدین‌سان خدا باوران همواره خداوند را در رفتارهای شخصی و اجتماعی خویش در نظر می‌گیرند و در دایره بایدها و نبایدهای الهی با کمال دقت راه رشد و بالندگی را می‌پیمایند. مقصد زندگی آن‌ها رضا و رضوان الهی است و ایمان به خداوند، قطب‌نمای تنظیم کارها و رفتار آن‌ها در زندگی است (دعای ۲۱: بند ۹). آن‌ها همیشه حضور پروردگار را در ژرفای زندگی خویش احساس می‌کنند و با این احساس در کمال آرامش، بدون آلودگی در جاده سلامت و سعادت، راه زندگی را هدفمند و ارزشمند خواهند پیمود (دعای ۲۱: بند ۱۲) (دعای ۱۱: بند ۱).

از آموزه‌های دینی به‌خصوص، صحیفه سجادیه استفاده می‌شود که اعتقاد به اصل وجود خداوند متعال، همان اعتقاد به خدای یگانه‌ای است که تنها آفریننده و تنها مقصد آفرینش است. اعتقاد به یگانگی خداوند متعال یعنی اعتقاد به این‌که تنها ذات موجود با همه کمالات و بدون هیچ نقیصی که باید از او اطاعت کرد و او را پرستید، خدای احد و احد است (دعای ۴۷: بند ۷۲). این نگاه توحیدی تأثیر زیادی در معنای زندگی دارد. انسان بدون این اعتقاد توحیدی و با اعتقاد به خدایان دوگانه، باز در این جهان سرگردان خواهد شد و هدفی برای این زندگی در این جهان نخواهد یافت. چراکه با اعتقاد به توحید می‌خواهیم

مدعی شویم که تنها هدف و مقصود اصلی جهان، خدای یگانه است. تمام جهان هستی وسیله است برای رسیدن به خدای یگانه و تنها راه رسیدن به این مقصد مسیر توحید است (دعای ۴۹: بند ۳). بحث از توحید، یکی از مهم ترین بحث های اعتقادی و معرفتی در مکتب های دینی است. چون اساس شریعت های آسمانی بر توحید است؛ چرا که توحید برخاسته از فطرت انسان است که خداوند در نهاد او قرار داده است (روم/ ۳۰. کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۱۲). توحید نور فطری است که انسان را متوجه و عاشق به تنها جمال و کمالی می کند که تنها علمی است که جهل در او نیست و تنها قدرت و سلطنتی که عجز همراه آن نیست، تنها حیاتی است که موت ندارد. توحید صراط مستقیمی است برای برآورده کردن نیاز درونی انسان است؛ در رسیدن به آن حقیقت زیبا. بدین جهت، حقیقت توحید اصلی ترین و مهم ترین عامل ارزشمندی و هدفمندی زندگی انسان در این دنیا است. تمام معارف دین و شریعتی که انبیاء آورده اند، برای این است که زندگی انسان در مسیر توحید قرار بگیرد و به این حقیقت برسد که کمال سعادت انسان در رسیدن به حقیقت توحید است (خمینی، ۱۳۸۰: ۱۸۰ تا ۱۸۳).

تنها راه رسیدن انسان به نهایت کمال و سعادت، رسیدن به حقیقت توحید ذات مقدس خداست. یعنی هدف اصلی زندگی انسان در این دنیا، این که با بندگی خداوند یگانه به هدف اصلی وجودش در این دنیا برسد. (دعای ۴۹: بند ۳). یعنی تمام شئون زندگی انسان هم از جهت اعتقاد و هم در مرحله عمل، آن باشد که خدای احد واحد می خواهد. به عبارت دیگر، تسلیم محض خدای یگانه بشود.

انسانی که موحدانه زندگی می کند، در نتیجه یاد و محبت همیشگی خدای یگانه در قلب او رسوخ می کند، وقتی این محبت در دل انسان رسوخ کرد، به تدریج، با او انس و الفتی ناگسسته خواهد گرفت. وقتی این محبت که والاترین محبت است، در دل او جایگزین شد و محبت غیر خدا در قلب او جا نداشت و بیگانگان را در حریم آن راه نداد (دعای ۳۱: بند ۱۷)، تسلیم خدا خواهد شد و خواسته ای غیر از خواسته او نخواهد داشت؛ خدا می شود ارزش و هدف زندگی (دعای ۳۳: بند ۵). و چه ارزشی و هدفی بالاتر از محوریت خدا در زندگی و در نتیجه، این زندگی بالاترین معنا را پیدا خواهد کرد.

انسان خداو باور موحدی که در طول زندگی قلبش پوشیده از محبت خداست، همیشه با یاد خدا زندگی می کند (دعای ۲۱: بند ۱۰)، خدا نیز به یاد او خواهد بود. یاد خدا موجب اطمینان و آرامش و بصیرت خواهد شد. انسان به محض این که به یاد خداوند می افتد، این ذکر برای او مانند چراغی است که ناگهان در ظلمت روشن شود و همه جا را روشن می کند. این ذکر به او فرصت رویارویی و توان پیکار با هوای نفس را می دهد و می تواند خودش را کنترل کند و به بینایی و بصیرت دست یابد تا به وسوسه های



شیطانی پی‌ببرد (دعای ۱۷: بند ۷). یاد همیشگی خداوند انسان را از غفلت و فراموشی خارج می‌کند (دعای ۲۰: بند ۲۹) و امید به زندگی را به او می‌بخشد (دعای ۲۱: بند ۵).

یاد همواره خدا، انسان را در مسیر هدایت و کمال قرار می‌دهد. اگر انسان در مسیر رشد و کمال قرار گرفت، امید به زندگی پیدا می‌کند و با این امید به آرامش می‌رسد. یعنی در حقیقت، ایمان او تقویت می‌شود و بدین وسیله، زمینه‌رستگاری خود را فراهم ساخته است (دعای ۴۵: بند ۱۶). کسی که در زندگی خود اطمینان، آرامش، امید، هدایت و ایمان داشته باشد، در کمال آسایش زندگی خواهد کرد. چون از بهترین ارزش‌های زندگی برخوردار است؛ پس یاد خدا بسیاری از ارزش‌های زندگی را زنده خواهد کرد و موجب معناداری زندگی خواهد شد.

خدا باور موحد، پیوسته در حمایت الهی است و آنچه بخواهد، خداوند متعال در دنیا و آخرت به او می‌بخشد (دعای ۲۰: بند ۱۴). داشتن تکیه‌گاه، و پناهگاه محکم و قوی، مدافع حقیقی در این دنیای پرتنش و پیچیده به مشکلات و سختی‌ها، به انسان آرامش، امنیت، آسایش و امید به زندگی می‌بخشد، مگر می‌شود یک انسان این‌ها را در زندگی داشته باشد و زندگی او ارزشمند نباشد (دعای ۷: بند ۴ و ۱۰) (دعای ۴۹: بند ۱۰).

تا زمانی که انسان در قلب خویش به خدای یکتا توجه داشته باشد، سختی‌های زندگی و مصیبت‌ها را بر اساس علم، حکمت و عدل خدا می‌داند. او اطمینان دارد هر چیزی که از خیر یا شر روی می‌دهد با اجازت‌ی خداست (دعای ۲۰: بند ۲۰). بله حوادث و سختی‌هایی در طول زندگی برای انسان پیش می‌آیند، اما این سختی‌ها وقتی در کنار ارزش والای اعتماد و اطمینان به وجود خداوند یکتا قرار بگیرد، بسیار آسان می‌شود (دعای ۲۱: بند ۸. انعام: ۶۳-۶۴). در حقیقت پریشانی‌ها، وحشت‌ها، اضطراب‌ها، اندوها و حسرت‌هایی که در قلب انسان است جز با روی آوردن، انس، هم‌نشینی با خدای یکتا و تسلیم و رضا در برابر امر و نهی و قضا و قدر او برطرف نمی‌شود. آنچه همه این ناملازمات را برای انسان آسان، در برابر مشکلات او را شکست می‌دهد و به او آرامش و امید به زندگی هدافمند می‌بخشد، یاد پیوسته خدای یکتاست (دعای ۵۴: بند ۸).

## ۲-۳. نقش شناخت حقیقت مرگ در معنا بخشی زندگی

واژه مرگ به معنای مردن است که در متون دینی از آن با تعبیراتی مانند موت، وفات و هلاکت به کار رفته، در مقابل زندگی که در متون دینی از آن تعبیر به حیات می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۳۱۷).

ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۹۱/۲. مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹۶/۱۱). و در صحیفه سجادیه، برای واژه مرگ چنین آمده است: «وَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ اَمُوتُ وَ اَحْيَا» (دعای ۲۰: بند ۱۷) و «تَوَفَّنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ» (دعای ۳۱: بند ۱۳). مرگ، سنتی همگانی در این جهان است که غیرقابل اجتناب و در انتظار همگان است. مرگ پایان چرخه زندگی موجودات زنده در این دنیای مادی است. بنابر دیدگاه خداپاوران، خداوند بقا و جاودانگی حیات دنیوی را برای هیچ چیز و هیچ کس قرار نداده است (عنکیوت/۵۷، جمعه/۸)، (دعای ۱: بند ۶).

حقیقت مرگ از این نظر مهم است که اصل مرگ را همه انسان ها چه مادی گراها و چه متدینان قبول دارند. منتها در حقیقت مرگ با هم اختلاف دارند که واقعاً با مرگ چه اتفاقی رخ می دهد؟ آیا مرگ نقطه پایان زندگی انسان است یا نه، شروع زندگی دیگری است؟ گرچه انسان ها در قبال مرگ ممکن است واکنش های مختلفی از خود بروز دهند، بعضی دچار انکار و بعضی خشمگین که چرا من؟ و برخی دیگر دچار ترس و افسردگی شوند و بعضی هم تسلیم مرگ شوند و آن را بپذیرند. اما مرگ، یک واقعیت انکارناپذیر و ناگزیر است. تفاوت واکنشی افراد با این واقعیت، برخاسته از تفاوت های شخصی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن است. واکنش طبیعی بسیاری از افراد در قبال آن، چیزی جز هراس نیست. چون مرگ روابط را قطع می کند و شکل زندگی معمولی آدم ها را در هم می شکند. بسیاری به این گرایش دارند که خود را تسلیم نمیدی می کنند، وظایف شان را نادیده می برند و به شیوه ای رفتار کنند که برای خودشان و دیگران زیان بار است. ولی واکنش برخی دیگر به گونه ای بسیار متفاوت است. آنان نه تنها از مرگ نمی هراسند، بلکه به جای هراس بدن عشق می ورزند و آن را شیرین تر از عسل و هرچیز گوارای دیگری می بینند. بسیاری از اهل یقین از متدینان به خدا و جهان واپسین چنین واکنشی از خود نشان و بروز می دهند.

پس گریزی از مرگ نیست و انسان در این دنیا، زندگی بی پایانی نخواهد داشت. باید به این باور رسید که هیچ کس در این دنیا عمر جاودان نخواهد داشت (دعای ۵۲: بند ۵). اما برای رهای از تأثیر مرگ در گرایش به پوچ گرایی و بی معنای زندگی، راهی جز روی آوردن به آموزه های دین نیست. زیرا با توجه به حقیقت مرگ از منظر دین، می فهمیم که مرگ به معنای «فناشدن»، «زوال حیات» و نابودی نسیت، بلکه به معنای انتقال از زندگی به زندگی دیگر است. مرگ مانند پلی برای عبور از عالمی به عالم دیگر و خروج از حیاتی به حیات دیگر است (دعای ۵۳: بند ۶). مرگ پایان زندگی نیست، بلکه آغاز یک زندگی ابدی و جاودانی است. انسان نمی میرد تا معدوم شود، بلکه می میرد تا نتیجه انتخاب های خویش را ببیند و از آن ها بهره بگیرد. این بدان معناست که انسان با مرگ خویش، چیزی را از دست نمی دهد یا اگر چیزی را از

دست بدهد، نسبت به آنچه به دست می‌آورد، چیز باارزشی را از دست نداده است. البته انسان با توجه به تلاش‌ها و برون‌داد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های استعدادی و ذاتی خویش این حرکت را تنظیم می‌کند. او هرچه در این راه بتواند ظرفیت‌های مثبت را بروز دهد در جهان دیگر از بهره بیش‌تری برخوردار می‌شود (دعای ۴: بند ۱۶) و (دعای ۴۰: بند ۳-۴).

متون دینی مانند قرآن و صحیفه سجادیه به همه انسان‌ها یادآوری می‌کنند که مبدا گمان کنید که زندگی دنیا پایان همه‌چیز است و شما بعد از مردن نیست و نابود خواهید شد، بلکه خداوند بر اساس حکمت و به حکم اصل عدالت، شما را دوباره زنده خواهد کرد و به حساب اعمال شما خواهد رسید (قیامت / ۳-۴. جائیه / ۲۱-۲۲). (دعای ۱: بند ۶).

بنابراین، دین توحیدی با قرار دادن مرگ در یک نظام منسجم ارزشی هدفمند که با زندگی پس از مرگ در پیوند است، بی‌معنایی و ترسناکی ناشی از آن را کاهش می‌دهد. در این نظام ارزشی و هدفمند، انسان‌ها زاده می‌شوند، زندگی می‌کنند و پس از مرگ، باز زندگی نوینی را بر اساس نوع زندگی اول خویش شروع خواهند کرد تا نسبت به آنچه در زندگی نخست داشته‌اند، داوری شوند. از منظر دین توحیدی، مرگ پایان فرصت تکرارناپذیری است که می‌توان با استفاده از آن بر اندوخته‌های خود افزود و ارزشمند و با هدف زندگی کرد.

### ۳-۳. نقش ایمان به معاد (معادباوری) در معنای زندگی

معاد به معنای بازگشت انسان و زنده شدن دوباره او بعد از مرگ است تا جزای اعمالی را که در دنیا به اختیار خود مرتکب شده است در آخرت مشاهده کند. اعتقاد به معاد یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در کنترل رفتار فردی و اجتماعی انسان و تربیت و اصلاح انسان است. این اعتقاد مهم‌ترین زیربنای دین بعد از ایمان به یگانگی خداوند است. معادباوری انسان را با نشاط و فعال و خستگی‌ناپذیر می‌سازد. حس وظیفه‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری را در او تقویت و انسان را از خواب غفلت بیدار می‌کند و به او هوشیاری و توجه می‌دهد. وابستگی‌اش را به دنیا کم می‌کند. به او آرامش می‌بخشد. گرایش به خوبی‌ها را در انسان تقویت می‌کند و او را از بند هوای نفس و بدی‌ها رها می‌کند؛ بر این اساس، یکی از بهترین راه‌های برون‌رفت از مشکلات فردی و اجتماعی، تقویت روحیه‌ی معادباوری است (گروهی، ۱۳۹۷، کرج).  
زندگی انسان در این دنیا با مرگ پایان می‌یابد و پس از مرگ، دو دوره دیگر از زندگی را خواهد داشت: یک دوره به نام دوره برزخ و دیگری معاد و قیامت که دوره برزخ گرچه بسیار طولانی‌تر از

دنیاست، اما باز موقتی است اما زندگی در قیامت جاودانگی و بی‌نهایت خواهد بود. برزخ به معنای حائل و فاصله میان دو چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۸/۱. ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۱۸/۱). و در اصطلاح، فاصله بین دنیا تا برانگیخته شدن در روز قیامت است که از مرگ و قبض روح آدمی آغاز می‌شود تا برپایی قیامت ادامه دارد (سبحانی، ۱۴۲۶ق: ۲۳۳/۴-۲۳۴؛ محسنی، ۱۳۹۱: ۳۲). در روایات واژه برزخ به معنای مرحله واسطه دنیا و آخرت به کار رفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۲/۳). هم‌چنین به جهت این که برزخ همچون قبر در پی زندگی دنیا است، به عالم برزخ «عالم قبر» نیز گفته شده است (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۰/۲). تاریکی و روشنای و نشاط و ناراحتی در برزخ بستگی به نوع عمل انسان در این دنیا دارد. نوع زندگی انسان اعم از گفتار و رفتار و کردار می‌تواند نوع زندگی در برزخ و قیامت را مشخص کند که چگونه باشد، از این رو، عملی عبادی مانند حمد الهی می‌تواند به صورت نوری باشد که تاریک‌های قبر را برطرف کند (دعای ۴۲: بند ۱۵) و هم‌چنین برزخ ظلمانی را روشنی بخشد (دعای ۱: بند ۱۲).

انسان پس از گذراندن یک دوره زندگی در عالم برزخ در نهایت، برای یک زندگی بی‌نهایت در قیامت برانگیخته خواهد شد (دعای ۳: بند ۲). وقتی قیامت بر پا شود، انسان بدون این که اختیاری از خود داشته باشد، پا به عرصه قیامت می‌گذارد (دعای ۳: بند ۲۴). در پیشگاه خداوند متعال قرار می‌گیرد (دعای ۵۳: بند ۷) و ذلت و خواری و کوچکی و ناتوانی خود را در برابر عظمت و قدرت مطلق و بی‌نهایت خداوند خواهد دید (دعای ۴۲: بند ۱۵). قیامت، مقامات، احوالات و گذرگاه‌های سختی دارد. مانند پلی که بر روی جهنم هست که همه باید از روی آن بگذرند (دعای ۴۲: بند ۱۵) و هم‌چنین، تاریکی و هول و هراس‌های وحشتناکی که در آن روز است. البته همه این‌ها بستگی به نوع زندگی انسان در دنیا دارد (دعای ۱: بند ۱۲ و ۱۴).

چون قیامت روز جدای حق از باطل است، در آن روز حق و باطل چنان روشن خواهد شد که هیچ جای انکار نیست. در آن روز، خداوند همه اعمال انسان‌ها را آشکار خواهد کرد (دعای ۱۱: بند ۴). انسان اگر به این معرفت برسد که در روز قیامت آنچه بر او ظلم و ستم شده و به ناحق از او گرفته شده، حق او پایمال شده است، به‌بترین نحو بازگردانی خواهد شد و ستمگران باز خواست خواهند شد و به سزای اعمالشان خواهند رسید، انسان با پیشه کردن صبر در زندگی دنیوی خود به آرامش می‌رسد. چنان که زینب کبری سلام الله علیها در پاسخ ستمگران وحشی که آن ظلم‌های بی‌نظیر در تاریخ در حق سیدالشهدا علیه السلام و خاندان عصمت طهارت روا داشتند، فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۵/۴۵). بدین جهت امام سجاد علیه السلام، چون یقین دارند که خداوند اگر صلاح ندید در این دنیا حق ستم‌هایی

را که در حقیقت شده است، از ظالمان بگیرد، در روز قیامت آنها را از ظالم خواهد گرفت؛ چنین می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَ تَرْكِ الْإِتِّقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفُصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيَّدِنِي مِنْكَ بِنَيْتِهِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ» (دعای ۱۴: بند ۱۴). بنابر این در روز قیامت، هر کس به جزای عملی که انجام داده می‌رسد (دعای ۴۲: بند ۱۶) و (دعای ۴۷: بند ۱۲۹).

این معرفت که قیامت عرصه انعکاس اعمال انسان است و به هیچ کس، هیچ ظلم و ستمی نخواهد شد و هرکس نتیجه اعمال دنیوی خودش را در آخرت خواهد دید، می‌تواند به زندگی انسان معنا ببخشد و نوع زندگی انسان را ارزشمند و هدف‌دار کند. در این صورت، انسان تمام کارهایش را برای رسیدن به سعادت پس از مرگ برنامه‌ریزی می‌کند. امام سجاد علیه‌السلام یکی از خصوصیات پیروان پیامبر را همین مطلب می‌شمارد که آنها نسبت به دنیا بی‌رغبتند و دوست‌دار زندگی پس از مرگ هستند؛ از این‌رو، نوع زندگی آنها آماده‌سازی برای زندگی پس از مرگ است (دعای ۴: بند ۱۶). بدین جهت از خداوند متعال می‌خواهند زندگی مجاهدان در راه خدا، نوعی زندگی باشد که توجه شان به آخرت باشد (دعای ۲۷: بند ۴).

### ۳-۴. نقش اعتقاد به شفاعت در معنای زندگی

واژه شفاعت به معنای ضمیمه کردن یا پیوند دادن چیزی به چیزی دیگر است. شفاعت یعنی پیوستن و انضمام به کسی که از نظر حرمت و مقام بالاتر از کسی است که مادون اوست که مورد شفاعت قرار می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۱/۱). راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۵۷. ابن اثیر ۱۳۶۷: ۴۸۵). «شافع و شفیع» هر دو اسم فاعل، به معنی کسی که برای غیر خودش طلب شفاعت می‌کند و می‌گوید نزد فلان شخص واسطه و شفیع من باش. اسم مصدر (حاصل و نتیجه مصدر) آن شفاعت است» (همان) و در اصطلاح، شفاعت را به واسطه شدن یک مخلوق، میان خداوند و دیگر مخلوقات برای رساندن خیر یا دفع شر دانسته‌اند (علم الهدی، ۱۴۰۵ق: ۲۷۳/۲).

بدون شک هر انسانی در این دنیا دچار خطا می‌شود و از او اعمالی بدی از روی خطا، یا عمداً یا سهواً سر می‌زند و ممکن است انسان در این دنیا نتواند آن را جبران کند و این می‌تواند آرامش را از زندگی انسان بگیرد و امید به زندگی را در او بخشکاند. اما دین آمده برای جبران آن در آخرت راهکارهایی گذاشته است، یعنی خیلی از اعتقادات و اعمال انسان وجود دارد که در روز قیامت می‌تواند سبب جبران

خطاها و غفلت‌ها و نجات انسان شود و خسارت‌های جبران‌ناپذیر نوع زندگی بد انسان در دنیا را جبران کند و سبب نجات انسان شود که اصطلاحاً به آن شفاعت می‌گویند که انسان به‌خاطر بعضی از اعتقادات و اعمالش شایسته شفاعت می‌شود (مفید، ۱۳۹۰: ۴۷). امامیه بر این مطلب اتفاق دارند که رسول اکرم و ائمه علیهم‌السلام در روز قیامت گروهی از کسانی را که گناهان کبیره انجام داده‌اند، شفاعت می‌کنند و با شفاعت آن‌ها خداوند بسیاری از گناهکاران را نجات می‌دهد (علم‌الهدی، ۱۴۰۵: ۱۵۰/۱ و ۱۷/۳).

بنابراین، شفاعت واسطه شدن انبیاء، امامان و صالحان بین خدا و خلق برای بخشیده شدن گناهانی است که از مؤمنان سر زده است. اندیشمندان مسلمان شفاعت را باعث ایجاد تغییر و تحوّل در مجرم می‌دانند، به‌گونه‌ای که استحقاق کیفر را از او سلب و از قانون مجازات خارج می‌سازد؛ چنان‌که شخصی که مشمول شفاعت می‌شود، اسباب شمول رحمت الهی را به‌صورت ناقص در وجود خود دارد، به‌صورتی که خدا از او رفع عذاب کند، یا بر درجه و رتبه او بیفزاید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۱). از صحیفه سجادیه استفاده می‌شود که از جمله شفاعت‌کنندگان در قیامت چهارده معصوم، علیهم‌السلام (دعای ۴۲: بند ۱۹) و (دعای ۲: بند ۲۵)، صلوات بر محمد و آل محمد (دعای ۳۱: بند ۳۰) و قرآن (دعای ۴۲: بند ۸) و (دعای ۴۲: بند ۱۵) هستند.

### ۳-۵. نقش اعتقاد به بهشت و جهنم (ثواب و عقاب) در معنا بخشی زندگی

نتیجه حساب‌رسی در قیامت یا رسیدن به جوارالله است که به آن بهشت هم می‌گویند یا ورود به آتش دردناک جهنم است: «حَمْدًا تُعْتَقُّ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ» (دعای ۱: بند ۱۶). بهشت و جهنم نتیجه نوع عمل انسان در زندگی دنیاست، در حقیقت مصالح ساخت‌وساز بهشت و جهنم نوع اعمال زندگی انسان است، این انسان است که با انتخاب نوع زندگی در دنیا اعمالی انجام می‌دهد که این اعمال در قیامت تبدیل به بهشت و جهنم می‌شود (دعای ۳: بند ۹) و (دعای ۳: بند ۲۱). بهشت و جهنم سرانجام نوع زندگی انسان است که این زندگی در راه اطاعت از خداوند بوده یا اطاعت از شیطان و هوای نفس خود انسان است (دعای ۱۶: بند ۲۴). اگر انسان بداند که نتیجه گناه‌ها و ستم‌های او آتش دردناک جهنم است، نوع زندگی تغییر خواهد کرد (دعای ۳۲: بند ۲۹ - ۳۱).

از این‌رو، هر انسانی می‌تواند با هدف رسیدن به بهشت و رحمت و خوشی و آسایش آخرت، نوع زندگی‌اش هدفمند بشود و این اهداف می‌تواند به زندگی او ارزش دهد. چنین انسانی با محوریت زندگی بر اساس دستورات دینی و رعایت تقوا و رضایت خداوند، می‌تواند به بهترین جایگاه که بهشت است،

برسد. (دعای ۲۱: بند ۱۱). انسانی که توجه به این معارف دینی دارد و به آن‌ها معتقد باشد و هدف زندگیش را بر این اساس بنیان نهد، در حقیقت معنای زندگی یعنی ارزش و هدف زندگی را دریافت کرده است و چگونگی زندگیش را برای رسیدن به این هدف چیدمان می‌کند. دنیا در نزد چنین انسانی بی‌ارزش و به آن نگاه ابزاری می‌کند و دنیا را وسیله و مزرعه آخرت می‌داند. از این رو، اگر در دنیا دچار کاستی شود و چیزی را از دست بدهد، دچار افسردگی و بن‌بست نخواهد شد و می‌داند که همه آن‌ها در آخرت جبران خواهد شد، (دعای ۳۰: بند ۵ و ۶).

بنابراین، انتخاب سعادت و شقاوت در آخرت که اهداف نهایی زندگی انسان در این دنیا است، بستگی به نوع زندگی انسان در این دنیا دارد. از منظر دین، اگر زندگی ساختارش در این دنیا اعمال نیک و صالح باشد، عاقبتش نجات از عذاب دردناک جهنم و ورد به بهشت خواهد بود. این می‌تواند امید به زندگی و شوق به زندگی ارزشمند و هدف‌دار را در او زنده نگه دارد (دعای ۳۷: بند ۱۲).

### نتیجه‌گیری

انسان برای دستیابی و رسیدن به معنای زندگی که از دیرباز مورد کنجکاو و پرسش او در طول دوران زندگیش بوده است، راهی جز مراجعه به آموزه‌های دینی ندارد. صحیفه سجادیه از جمله متون دینی است که انسان با کندوکاو در این متن دینی با ارزش می‌تواند با استفاده از آموزه‌های اعتقادی آن در تقویت معنای زندگیش بکوشد و از پوچ‌گرایی‌های یابد و به هدفمند و ارزشمند بودن زندگی خود در دنیا برسد. از جمله این عوامل اعتقادی که با استفاده از آموزه‌های صحیفه سجادیه می‌تواند در تقویت معنای زندگی مؤثر باشد:

۱. اعتقاد به وجود خدای یکتا و این که این جهان آفریننده‌ای با قدرت مطلق، علم فراگیر و رحمتی بی‌پایان دارد. تأثیر به‌سزایی در تقویت معنای زندگی دارد. چون کسی که خداوند یکتا را محور زندگی خود قرار دهد و بر اساس خواسته‌های او زندگی کند. در حقیقت، هم زندگی هدفمند و هم ارزشمند و هم با کارکرد سعادت‌مند خواهد داشت.

۲. هم‌چنین، اعتقاد به معاد از جمله عوامل مؤثر در تقویت معنای زندگی است که در صحیفه سجادیه زیاد به آن پرداخته شده است. کسی که با کمک آموزه‌های دین معتقد شود که مرگ پایان زندگی نیست و با مرگ به زندگی جدید خواهد رسید که می‌تواند این زندگی با سعادت جاودانه در بهشت باشد یا

شقاوت جاودانه در جهنم باشد، چنین شخصی در حقیقت هدف زندگی را یافته است و کسی که هدف زندگی را به دست آورده باشد در حقیقت، زندگی او معنادار شده است.

۳. جمع این اعتقادات یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد با کمک آموزه های دین در یک انسان، باعث یک زندگی معنادار خواهد بود.

### فهرست منابع؛

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجادیه
- ابراهیمی دینانی، غلام حسین. (۱۳۸۰). قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (بی تا) النهاية فی غریب الحدیث و الأثر. موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الشفاء من خوف الموت (رسائل ابن سینا). چاپ اول. قم: بیدار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- آشتیانی، سیدجلال الدین. (۱۳۸۷). هستی از نظر فلسفه و عرفان. چاپ پنجم. مؤسسه بوستان کتاب.
- بیات، محمدرضا. (۱۳۸۶). «فیلسوفان تحلیلی و معنای زندگی». فصل نامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی. سال سوم. شماره ۲، ص ۱۰۱-۱۲۶.
- پارسا، محمد. (۱۳۸۳). زمینه روان شناسی نوین. چاپ بیستم. تهران: بعثت.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹). معنای زندگی. چاپ دوم. پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۱). معاد شناسی. چاپ هشتم. علامه طباطبائی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ----- (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دانلدای، کراسبی. (۱۳۸۳). نیهیلیسم. ترجمه: محمود لطفی. فصل نامه فرهنگ. شماره ۵۴.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲-۱۳۷۳). لغت نامه. مراجعه: شهیدی، جعفر و معین، محمد. تهران: روزنه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. چاپ اول. بیروت: دار القلم.
- رضازاده، حسن و رحمانی اصل، محمدرضا. (۱۳۹۲). «مقایسه معنای زندگی از دیدگاه محمدتقی جعفری تبریزی و فریدریش نیچه». انسان پژوهی دینی. شماره ۳۰، ۱۱۵ - ۱۳۴.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۶ق). الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل. قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامیة.
- شمسی، سیده پرگل: پورعابدین، روح اله و پورنعم، هدی. (۱۳۹۷). «معادباوری و تاثیرات آن در زندگی، از دیدگاه نهج البلاغه». کنفرانس بین المللی پژوهش های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، کرج.



- صادقی، هادی. (۱۳۸۲). «او اینک زیستن با خدا». فصل نامه نقد و نظر. ش ۳۱ - ۳۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عسکری سلیمانی امیری، (۱۳۸۲). «خدا و معنای زندگی». فصل نامه نقد و نظر. ش ۳۱ - ۳۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
- علم الهدی، سیدمرتضی. (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، دار القرآن الکریم. قم: مطبعة الخيام.
- علی‌زمانی، عباس و دریانی اصل، مریم. (۱۳۸۹). «معنای زندگی از دیدگاه جان کاتینهنگام». الهیات تطبیقی، شماره اول، ۹۷-۱۰۸
- عمید، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ عمید (جیبی). تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. چاپ دوم. قم: مؤسسه دار الهجرة:
- کاپلستون، فردریک چارلز. (۱۳۸۸). تاریخ فلسفه غرب. ترجمه مجتبی، عطا. چاپ هشتم. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- اله بداشتی، علی. (۱۳۹۱). «نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان». مشرق موعود. سال ششم، شماره ۲۲، صفحه ۹۱-۱۰۸.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- محسنی دایکندی، محمدعظیم. (۱۳۹۱). برزخ و معاد از دیدگاه قرآن و روایات. چاپ اول. آشیانه مهر.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۰)، درس‌هایی از اصول عقاید اسلامی. چاپ سوم. موسسه بوستان کتاب.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۲). مبانی شناخت. چاپ چهارم. موسسه بوستان کتاب.
- مدنی کبیر، سید علیخان بن احمد. (۱۴۴۳ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، چاپ یازدهم. قم: المؤسسة النشر الاسلامی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی (دوجلدی). تهران: ادنا.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۹۰). اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، مترجمان: صدیقه اشرف و طهرانی، طاهره عظیم‌زاده. چاپ اول. دانشگاه آزاد اسلامی مشهد معاونت پژوهشی: سخن‌گستر.
- میر داماد، محمد باقر بن محمد. (۱۴۲۲). شرح الصحیفة السجادية الكاملة. محقق: مهدی رجایی. بهارقلوب.
- میگل داونامونو. (۱۳۹۶). درد جاودانگی، مترجم: بهاء‌الدین خرماشاهی، چاپ یازدهم. ناهید.